



پیشکش به روان پاک **آرش و بردیا** (محمدرضا علی زمانی)
و دیگر گرامیانی که خون پاکشان به دست ضحاک زمان در راه میهن ریخته شد.

قسم به بوسه آخر، قسم به تیر خلاص
قسم به خون شقایق، نشسته بر تن داس

قسم به آتش پنهان به زیر خاکستر
قسم به ناله مادر، قسم به بغض پدر

قسم به مشت برادر، قسم به خشم رفیق
قسم به شعله کبریت و قسم به خواب حریق

قسم به بال پرستو، به عطر فروردین
قسم به نبض ترانه، قسم به خاک زمین

که خون بهای تو خون سیاه جلاد است
سکوت دامنه در انتظار فریاد است

که خون بهای تو اتمام این زمستان است
طنین نام تو در ذهن هر خیابان است

به تازگی و بار دیگر، دو تن از جوانان آریابوم که در بند پاسداران جمهوری اسلامی بودند به فرمان امام علی خامنه ای، خلیفه مسلمانان در ایران به قتل رسیدند. آرش و بردیا دو تن از دلاوران دلیر و میهن پرستی بودند که در راه رستاخیز و رهایی ایرانیان از بند جهل و جور کوشیدند و با فدا کردن جان گرامی و خون پاکشان، شکوفه های نهال خرد و آزادی را در خاک ایران آبیاری کردند.

این جوانان نخستین جانمایی نبودند که در این راه پریز گشتند و صد افسوس که آخرین ها هم نخواهند بود. دریغا که این جوانان آگاه و با خرد در حالی به قتل میرسند که ما هنوز در خوابیم! آنچه که بیش از کشته شدن این نازنینان دل انسان را به درد میآورد اینست که این سروران در حالی جانهای خود را به خاطر ما فدا می کنند که شمار بی شماری از ما همچنان در چنان خواب زمستانی ژرفی به سر می بریم که گویی افیون دین تا بن اندیشه هایمان را سوزانده و زخم چرکین اسلام بینایی و شنوایی ما را به کلی نابود کرده است!

در زمان "خلافت" دو امام مسلمان، <امام روح الله خمینی> و <امام علی خامنه ای> - به معنای واقعی کلمه- خون هزاران تن از ایرانیان به دست جنایت پیشه گان مسلمان ریخته شده است. اما به راستی چند جان نازنین دیگر باید فدای خوناشامی و پلییدی سیرت این ستم پیشگان شود تا ما به خود آییم؟ می توان گفت در زمان خلیفه گری این دو امام، به همان اندازه از ایرانیان به قتل رسیده اند که در زمان خلیفه گری عمرین خطاب. جنایتی که این سه خلیفه مسلمان بر ایرانیان روا داشته اند آنچنان بزرگ است که در هیچ کجای تاریخ پیشینه ندارد.

گفته می شود *آدولف هیتلر* یهودیان بسیاری را در کوره سوزانده است اما آیا چه کسی به یاد می آورد جایی در تاریخ که شهروندان کشوری را حکومتگران در خیابان برابند، آنان را تا نهایت خشونت و تا مرز مرگ مورد ضرب و شتم قرار دهند، آنان را مورد شکنجه و تجاوز جسمی و روحی قرار دهند، به قتل برسانند و سپس بر جنازه آنان اسید بپاشند و بسوزانند؟ بر راستی هیچ اهریمن خوی پلیدی سیرتی در تاریخ این چنین جنایت نکرده که <امام روح الله خمینی> و <امام علی خامنه ای>.

زنهار ای "قوم به حج رفته" آیا هنوز هم نمیبینید که بر ما چه گذشته است؟

بباید از خود بپرسیم چند آرش و سهراب و ترانه دیگر باید پریز شوند تا ما بیدار شویم و بپا خیزیم؟

نزدیک **دو دهه** پیش شادروان فریدون فرخزاد می گفت <<شما هنوز نمی دانید که چه بر سرتان آمده>> پس آیا جای بسی شرم نیست اگر که ما **هنوز هم** نمیبینیم که چه بر سرمان آمده؟ در طی دو دهه که دیگر کشورهای جهان با سرعتی فرای تصور به سوی پیشرفت و ترقی تاخته اند، چند "فریدون فرخ" دیگر باید ببینند و بروند تا ما ایرانیان - با این تمدن چند هزارساله مان! - از خواب بی خردی برخیزیم و خون آریایمان را از افیون دین پاک سازیم؟

پس بباید با بیداری خود از خواب چهارده سده ای سهم خویش را از ستایش و احترام به روان پاک همه ی این نازنینان جان باخته پیشکش سازیم و در این مبارزه با آنها هم فریاد و پا به پا باشیم. بباید نگراریم خون این همه از هم وطنانمان بی ثمر فدا شده باشد.

آرش و بردیا بی شک زنده و شادمان خواهند بود در آن روزی که برادران و خواهران پارسی اندیش و آریایی خویشان سرنگونی خلافت امام ضحاک را به پایکوبی و سرور بایستند.
برادران دلیرم؛ نامتان ارجمند، یادتان گرامی و فروهرهای روان پاکتان در آسمان ایران پیوسته به شادمانی و سرفرازی در پرواز باد تا آن روزی که شما نیز در آسمان، پیروزی همزمانتان و آزادی میهنتان را به رقص و پایکوبی بایستید.

حنیف معلم-
بهمن ماه ۲۵۶۸